

بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر نزاع و خشونت بین فردی جوانان با تأکید بر امنیت اجتماعی (مورد مطالعه: جوانان 18-30 ساله شهر همدان)

مصطفی زارعی¹، سعید شریفی رهنمو²، آیت‌اله فتحی³، صبا حقی⁴، رضا دوستدار

تاریخ دریافت: 99/01/17
تاریخ پذیرش: 99/04/06

از صفحه 129 تا 152

پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، سال سیزدهم،
شماره سوم (پیاپی پنجاه و یکم)، پاییز 1399

چکیده

مقدمه: امروزه، نزاع بین فردی، به‌ویژه در بین جوانان، به‌عنوان یک آسیب اجتماعی، یکی از شاخص‌های مهم ایجاد و گسترش خشونت در جامعه تلقی می‌شود که در بین جوانان به وقوع می‌پیوندد و امنیت اجتماعی را مورد تهدید و مانع توسعه اجتماعی می‌شود. از این‌رو، پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل اجتماعی مؤثر بر نزاع و خشونت بین فردی جوانان با تأکید بر امنیت اجتماعی انجام پذیرفت.

روش: این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی از نوع پیمایشی و همبستگی می‌باشد. جامعه هدف شامل جوانان 18-30 ساله شهر همدان است که با استفاده از فرمول کوکران، تعداد نمونه‌ها 382 نفر محاسبه و از طریق روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای به‌صورت تصادفی انتخاب و به پرسشنامه موردنظر پاسخ دادند.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد بین عواملی مانند میزان تعامل با خانواده، تعامل با دوستان، تعهد به هدف‌های قراردادی و مرسوم جامعه، مشارکت و درگیر بودن در فعالیت‌های روزمره و تعهد به ارزش‌های اجتماعی با میزان گرایش به نزاع و خشونت بین فردی جوانان رابطه معکوس و معناداری وجود دارد که در ادامه، نتایج رگرسیون نیز مشخص نمود بیشترین توانایی مستقیم در پیش‌بینی نزاع و خشونت بین فردی از طریق میزان تعهد به هدف‌های قراردادی و مرسوم جامعه صورت گرفته و کمترین نیز متعلق به میزان تعامل با خانواده بوده است.

نتیجه‌گیری: پدیده نزاع و خشونت در جوامع شهری مانند همدان، از آن دسته آسیب‌هایی هستند که متأثر از عوامل اجتماعی متعددی می‌باشد. لذا لازم است در شهر همدان، این عوامل مورد توجه دستگاه‌های اجرایی و متولی امر قرار گیرد تا بتوانند با اقدامات مناسب از جمله تقویت سرمایه اجتماعی و عوامل نامبرده از تداوم و تشدید پدیده نزاع و خشونت در بین جوانان پیشگیری کنند.

کلیدواژه‌ها: عوامل اجتماعی، نزاع، خشونت، جوانان، امنیت اجتماعی.

1- کارشناسی ارشد پیشگیری اجتماعی از جرم، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران.

2- دانشجوی دکتری مطالعات برنامه درسی، دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران.

3- عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی ناجا (نویسنده مسؤل): a.fathi64@gmail.com

4- عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی ناجا



مقدمه

امنیت¹ مفهومی بنیادی و از ضروریات زندگی بشر است. انسان‌ها در طول تاریخ، همواره در جستجوی شرایط امن و عاری از خطر به سر برده و راه‌های مختلفی را برای دستیابی به آن آزموده‌اند. در واقع می‌توان گفت، اولین نهادهای اجتماعی نیز در پاسخ به این نیاز شکل گرفته‌اند؛ از این‌رو، امنیت جزء عناصر اصلی سازنده زندگی اجتماعی شناخته می‌شود. علاوه بر اینکه مردم و افراد عادی به اهمیت امنیت در زندگی شخصی و عمومی خود شناخت پیدا کرده‌اند، اکثر محققان حوزه‌های مختلف علمی نیز به اهمیت و ارزش آن اشاره و باور دارند که امنیت از نیازهای ضروری و پایه‌ای هر فرد محسوب می‌شود (ترابی و گودرزی، 1383:32). در واقع، امنیت از مهم‌ترین مؤلفه‌های اجتماعی، روان‌شناختی و فرهنگی هر جامعه‌ای می‌باشد که با توجه به حوزه مطالعات جامعه‌شناختی و روان‌شناسی، این مؤلفه برای حیات هر نظام سیاسی و اجتماعی لازم می‌باشد. از همین رو، مسأله نزاع، خشونت، جرم و جرم‌خیزی تحت‌تأثیر عوامل متعددی مانند اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و انتظامی می‌باشد و همواره به‌عنوان یک پدیده آسیب‌زای اجتماعی باعث کاهش و کم‌رنگ شدن میزان احساس امنیت اجتماعی در بین جوامع شده است (کورتیس،² 2015:78)؛ بنابراین انسان‌ها در طول تاریخ حیات اجتماعی خویش بر اساس زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی و تحت‌تأثیر شرایط اقتصادی، سیاسی و ارزش‌های حاکم بر جامعه در شرایطی از رویارویی‌ها و تقابل‌ها قرار گرفته‌اند که گاه در تضاد، ستیز و نزاع با یکدیگر به سر برده‌اند. لذا آنچه که مسئله‌آفرین است، وجود تضادهای خشونت‌آمیز در بین افراد و گروه‌ها می‌باشد و موضوع کجروی و نزاع در همه جوامع سنتی یا مدرن، در همه سنین جوانی تا پیری و در حالات و درجات متفاوتی مطرح بوده است (پورافکاری، 1383:322). بر این اساس، معمولاً نزاع و درگیری از جمله مسائل اجتماعی است که علاوه بر ایجاد فضایی آکنده از خشم و نفرت و مکدر کردن روابط انسانی، امنیت اجتماعی را از جنبه‌های مختلف تهدید می‌کند و به نوعی انسجام جامعه را با مشکل مواجه می‌سازد (عبداللهی و چلی، 1381:225). لذا نزاع و خشونت مفهومی وسیع و دارای معانی گوناگونی است و هر

1- Security

2 - Curtis

جامعه طیفی از خشونت‌های خاص و پذیرفتنی را در درون خود مشخص کرده و حساسیت خود را متوجه انواع دیگر این پدیده می‌سازد. منظور از چنین مفهومی در این پژوهش، رفتاری است که به قصد آسیب رساندن به دیگری از کسی سر می‌زند و دامنه آن از تحقیر، توهین، تجاوز و ضرب و جرح تا تخریب اموال و دارایی‌های طرف مقابل و قتل او گسترده است؛ بنابراین با توجه به اینکه دوران 30-18 سال دوران جوانی محسوب شده و در این دوران فرد دیگر وابسته خو نمی‌باشد، استقلال طلب است و از تعلق و وابسته بودن گریزان، او می‌خواهد خود بیندیشد، خود تصمیم بگیرد و خود رفتار نماید؛ بنابراین حس استقلال‌طلبی و برتری‌جویی در جوان ایجاد خلاء می‌کند و به دنبال آن مواجه با بحران‌های مختلف اعم از بحران شخصیت یا هویت، بحران روابط اجتماعی، بحران خانواده، بحران جنسی و بحران کار در سن جوانی به نوعی او را در فشار قرار داده و کارکرد سیستم زیستی و التهابات و غرایز مختلف نیز به نوعی وی را نامتعادل کرده و رفتار پرخاشگرانه را در فرد تقویت می‌کند؛ بنابراین لزوم چنین پژوهشی در این گروه سنی پراهمیت می‌باشد (صدیق‌سروستانی، 1388: 95).

آمار نزاع و درگیری جزء آن دسته از آمار است که در کشور وجود دارد، اما به دلایل فرهنگی و اجتماعی خاص، تعداد زیادی از نزاع‌ها و آمار ضرب و جرح‌ها از سوی افراد و خانواده‌ها به مراکز پلیس گزارش نمی‌شود و این میزان شاید چند برابر مقدار گزارش شده باشد؛ یا از سوی دیگر، خشونت و نزاع از جمله موضوعاتی هستند که متأسفانه در فرهنگ بعضی هموطنان به‌عنوان شاخص قدرت و یا دفاع از منزلت اجتماعی و حیثیت خانوادگی محسوب می‌شود (پورافکاری، 1383). در همین راستا، گزارش‌های رسانه‌ها و نتایج پژوهش‌های مختلف در اکثر کشورهای دنیا نشان می‌دهد که نزاع و خشونت در سال‌های اخیر افزایش یافته و جدی‌تر شده است و شامل طیفی از اعمال عمدی خشن جسمی، روانی، عاطفی و کلامی می‌باشد که تأثیر منفی بر سلامت جسم و روان فرد و درک از خود برجای می‌گذارد. در جامعه امروز، به دلایلی چون گسترش فقر، عدم توجه به مسائل معنوی و انسانی، گرایش به خوشگذرانی‌ها، سقوط خانواده و ارزش‌های تربیتی و بالأخره گسترش ماشین‌بسیم سبب بدبینی و ترس از آینده و در نهایت، نزاع و خشونت شده است (حسینی، 1383: 10). آمارهای موجود دهه گذشته در خصوص نزاع‌های فردی و اجتماعی در کشورمان نشان از سیر صعودی این



پدیده دارد (واحدی، بهستانی و حسن‌زاده، 79:1392). نتایج پژوهش‌های یادشده و همچنین اطلاعات ارائه شده از سوی پزشکی قانونی در این باره، حاکی از فزونی نگران‌کننده نزاع‌های فردی و جمعی است (کیانی و همکاران، 1386؛ پورافکاری، 3:1383). با نگاهی به آمار جرایم می‌توان گفت که خشونت و نزاع بین‌فردی در ایران و به‌خصوص در شهر همدان در حد بالایی است. آمارهای ارائه شده در رابطه با وقوع و کشف جرایم در طی سال 95، نشان می‌دهند که در سال‌های گذشته بالای یازده هزار مورد نزاع و درگیری فردی رخ داده است. بنابر آمارها، جرایم خشونت و نزاع و درگیری رو به فزونی دارد و بررسی علل این جرایم یک نیاز فوری است؛ لذا بر اساس آخرین برآورد اجتماعی انجام شده در سال 97 که نتیجه نظرسنجی احساس امنیت استان، آمار جرایم و برآورد سطح اول استان می‌باشد، نزاع و درگیری فردی به‌عنوان یکی از جرایم و آسیب‌های احصاء شده شهر همدان می‌باشد که بر طبق رصد شرایط اجتماعی در سالیان گذشته، نزاع و درگیری فردی در شهر همدان به‌عنوان یک مسأله حاد اجتماعی مطرح بوده است (گزارش مطالعاتی، 1397: 194)؛ بنابراین با توجه به مطالب ذکر شده سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که مهم‌ترین عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به نزاع و خشونت بین‌فردی جوانان 18-30 ساله شهر همدان کدام است؟

پیشینه و مبانی نظری پژوهش

پیشینه پژوهش

جوانمرد، عشایری و هاشمی (1398)، پژوهشی با عنوان «تبیین عوامل شکل‌گیری نزاع و درگیری دسته‌جمعی در استان اردبیل» انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر نزاع بین افراد عبارت‌اند از: تعلق ایلی، سرمایه اجتماعی، کنترل اجتماعی، نارضایتی اجتماعی و اختلافات اجتماعی که بیشترین میزان مربوط به سرمایه اجتماعی بود.

افشانی و کریمی منجرمویی (1397)، در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به نزاع دسته‌جمعی در شهر لردگان» نتیجه گرفتند که بین متغیرهای پرخاشگری، اختلافات ملکی، خویشاوندگرایی، تجربه عینی نزاع و جنس با نزاع و خشونت رابطه معناداری وجود دارد.

حیدرنژاد و اسدپور (1396)، در پژوهشی با عنوان «شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر نزاع دسته‌جمعی در بین مرزنشینان استان اردبیل و اثر آن بر نظم و امنیت» نتیجه گرفتند که بین عوامل اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی، نظامی و انتظامی، اداری و سیاسی و گرایش به نزاع و درگیری رابطه معناداری وجود دارد.

امیرپور و مکرمی (1396)، در پژوهشی که به بررسی میزان گرایش به خشونت و پرخاشگری در مردان شهرستان شیروان و عوامل مؤثر بر آن پرداخته بودند، مشخص نمودند که بین میزان خشونت و پرخاشگری و وضعیت اقتصادی-اجتماعی مردان رابطه معناداری وجود دارد.

علمی، تیغ‌زن و باقری (1396)، در پژوهشی با عنوان «تعیین میزان شیوع خشونت و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن» نشان دادند که متغیرهای عدم دلبستگی به والدین، عدم نظارت والدین بر رفتار فرزندان، بدرفتاری والدین با فرزندان، تضاد والدین با هم، داشتن دوستان بزهکار، عدم پایبندی به دستورات اخلاقی، تنبیه در مدرسه و سخت‌گیری والدین با خشونت دانش‌آموزان رابطه مستقیم و معناداری داشتند.

بخارایی، بیات و پرکیانی (1395)، در پژوهشی با عنوان «مطالعه عوامل مؤثر بر نزاع» نتیجه گرفتند که مهم‌ترین این عوامل عبارت‌اند از: نبود انسجام اجتماعی، تعاملات مثبت اجتماعی، وضعیت اقتصادی، سن و کنترل خانواده.

لهسایی‌زاده و مرادی (1395)، در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه بین راهبردهای مقابله و رفتار پرخاشگرانه جوانان» نتیجه گرفتند که افراد زمانی که از راهبرد احساسی در مواجهه با مشکلات استفاده می‌کنند، پرخاشگری بیشتری از خود در تهاجم، خشم و کینه‌توزی نشان می‌دهند؛ اما دو راهبرد دیگر (عقلانی و اجتنابی) برای این ابعاد معکوس می‌باشند.

شاطریان، نیازی و عشایری (1394)، در پژوهشی با هدف شناخت عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر گرایش به نزاع طایفه‌ای نتیجه گرفتند که بین متغیرهای انسجام اجتماعی، مسئله ناموسی، تقسیم به گروه خودی و غیرخودی، کمیابی منابع، جامعه‌پذیری، معامله اجتماعی و ضعف بازدارندگی بیرونی با گرایش به نزاع طایفه‌ای



رابطه معنادار و با متغیر محرومیت نسبی و کنترل اجتماعی با نزاع طایفه‌ای معنادار نبوده است.

در خارج از ایران نیز ساید¹ (2017)، در پژوهشی نتیجه گرفت که وجود آداب و رسوم مختلف و نمادها و فرقه‌گرایی عامل درگیری و نزاع در روستای موئل است؛ همچنین تغییرات اداری به تصویب رسیده در خصوص ساخت‌وساز، تنش‌ها و نزاع‌ها را در آینده دو چندان می‌کند.

براون² (2014)، در پژوهشی نشان داد که بین رفتار خشن و فرهنگ ارتباط وجود داشته و در برخی جوامع نسبت به رفتار خشن نگرش‌های بسیار مثبتی وجود دارد. رایس³ (2009)، در پژوهشی با هدف تبیین علل مورد حمله قرار گرفتن زنان و کودکان در سودان و کشته شدن 185 نفر به این نتیجه رسید که علت اصلی قتل 185 نفر از زنان و کودکان در جنگ طایفه‌ای بیشتر در تحریک احساسات طایفه‌ای و فقدان نظارت اجتماعی است.

دی‌کوستر، هیمر، کارن و ویتروک⁴ (2006)، در مطالعات خود نشان دادند که زندگی در مناطق نامساعد، بر خشونت جوانان تأثیرگذار است و الگوی روابط خانوادگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین، سرمایه اجتماعی در این مناطق پایین است.

نتایج پژوهش هاین، سیلور و تسدال⁵ (2006)، با عنوان «ویژگی‌های مناطق، شبکه‌های همتراز و خشونت نوجوانان» نشان داد که وضع نامساعد مناطق با افزایش دادن فرصت‌هایی برای نوجوانان برای مشارکت داشتن در شبکه‌های همسالان خشونت‌گرا، به صورت غیرمستقیم بر خشونت آنان مؤثر است؛ بنابراین در یک جمع‌بندی از پیشنهادهای موردنظر می‌توان گفت با وجود این‌که در دهه‌های اخیر از سوی محققان و متخصصان ارتباط چنین موضوعی به شیوه‌های مختلفی مورد بحث قرار گرفته و تحقیقات چشمگیری نیز در این زمینه انجام شده، لیکن تا به حال در شهر همدان به‌عنوان پایتخت فرهنگ و تمدن ایران زمین چنین پژوهشی صورت نپذیرفته

1- Side

2- Boraven

3- Rice

4- De Coster, Heimer, Karen & Wittrock

5- Haynie, Silver & Teasdale

بود. همچنین پژوهش‌های دیگری هم که در سایر استان‌ها انجام شده‌اند تنها با تمرکز بر نزاع انجام شده‌اند و این در صورتی است که نوآوری پژوهش حاضر با توجه به همین نکته و تمرکز بر نزاع و خشونت به صورت ویژه در ابزار مورد استفاده در این پژوهش به اجرا درآمده است.

مبانی نظری پژوهش

از جمله نیازهای اساسی بشر که در بیشتر نظریه‌های روان‌شناسی و جامعه‌شناسی و نیز پژوهش‌های آنان درباره خصوصیات انسان، مشاهده می‌شود، نیاز به امنیت است. امنیت عبارت است از: آزادی نسبی از خطر و در مقابل، ایمنی عبارت است از: 1- آسایش خاطر ناشی از اطمینان شخص به ارضای نیازمندی‌ها و خواهش‌های خود؛ 2- اطمینان از این‌که هیچ کس او را تهدید نمی‌کند. به عبارتی، امنیت: الف- حالتی است که در آن، ارضای احتیاجات و خواسته‌های شخصی انجام می‌یابند، ب- احساس ارزش شخصی، اطمینان خاطر، اعتماد به نفس و پذیرش از طرف گروه است (کورتیس،¹ 2015). برخلاف احساس امنیت، نایمنی وضع یا حالتی است که در آن آسایش خاطر و امنیت شخصی، دست خوش تهدید است. نایمنی، احساس بی‌یاری و یآوری، بیچارگی، عدم محافظت و ناشایستگی در مقابل اضطراب‌های گوناگون است (ولمن،² 2018).

بوزان³ (1998) نقطه آغازین امنیت را ذهنی و مبتنی بر تصمیم بازیگران معرفی می‌کند. وی نخستین بار اصطلاح امنیت اجتماعی را در کتاب «مردم، دولت‌ها و هراس» به کار برد. این مفهوم تنها یکی از ابعاد رویکرد پنج بعدی او به مقوله امنیت است. دیگر بخش‌های رویکرد وی عبارت‌اند از: امنیت نظامی، سیاسی، اقتصادی و زیست محیطی. تمام این ابعاد و از جمله امنیت اجتماعی، همگی بخش‌هایی از امنیت اجتماعی از نظر بوزان به حساب می‌آید که بر اساس آن، افراد خود را به عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند، یا به عبارتی، با جنبه‌هایی از زندگی فرد ارتباط پیدا می‌کند که هویت گروهی او را شکل می‌دهند. به عقیده بوزان، عواملی که می‌توانند هویت یک جامعه را تهدید کنند، ممکن است از سرکوب آزادی‌بیان تا مداخله در قابلیت‌های آن برای ابزار

1 - Curtis

2 - Wollman

3 Buzan



هویت خود و عوامل متعدد ایجاد نزاع و خشونت بیم فردی افراد جامعه متغیر باشند. در هر حال، بر اساس دیدگاه بوزان تهدیدات تأثیرگذار بر امنیت اجتماعی زمانی روی می‌دهند که جوامع به این نتیجه می‌رسند که در شرایطی کنونی، هویت «ما» مورد تهدید و تعرض واقع شده است (ابراهیمی، 1386). لذا یکی از متغیرهایی که می‌تواند با امنیت روانی - اجتماعی رابطه داشته باشد، پدیده نزاع بین فردی می‌باشد.

منازعه¹ عبارت از تنش و تصادم میان دو فرد، گروه یا دو کشور پیرامون اختلاف نظر، ارزش‌ها، موقف مشخص یا تضاد منافع می‌باشد. به نظر می‌رسد «خشم»²، «خشونت»³ و «پرخاشگری»⁴ واژه‌هایی هستند که با نزاع و درگیری در ارتباط بوده و به نوعی می‌توان گفت که درهم تنیده شده‌اند. خشم، یک هیجان کاملاً طبیعی است و مانند سایر احساسات نشانه سلامت و تندرستی و عواطف انسانی می‌باشد، اما هنگامی که از کنترل خارج شده و تبدیل به خشونت می‌گردد، می‌تواند به یک حس مخرب و ویرانگر تبدیل شود. معمولاً نزاع و درگیری روابط انسانی را در هم ریخته و موجب تأثیرات منفی و مخربی بر مقوله امنیت جامعه شده که به دنبال این شرایط نامطلوب شاهد بروز از هم گسیختگی اجتماعی نیز خواهیم بود. در واقع، نزاع و خشونت رفتاری است که در همه کشورها مشاهده می‌شود و بر قربانیان فراوان آن همه روزه افزوده و موجب اضطراب مردم و احساس ناامنی آن‌ها و به‌ویژه گروه‌های ضعیف‌تر و آسیب‌پذیرتری می‌شود (سروستانی، 1386:114). لذا نظریه‌های متعددی در همین زمینه مطرح شده است که در این میان سه نظریه که به‌طور خاص‌تری به موضوع پژوهش نزدیک است توضیح داده شده است.

نظریه برچسب‌زنی: نظریه برچسب‌زنی یکی از نظریه‌های مطرح جامعه‌شناسی و به‌طور خاص، در حوزه جامعه‌شناسی انحرافات می‌باشد. این نظریه از دهه 1950 به بعد در جامعه‌شناسی و روان‌شناسی آمریکا مطرح شد. نظریه‌پردازان نظریه برچسب‌زنی معتقدند که نزاع یک پدیده اجتماعی است و بر این باورند که کجروی‌های اجتماعی ناشی از عوامل روان‌شناختی یا زیست‌شناختی نیست، بلکه این جامعه است که هویت

1- Conflict

2- Anger

3- violence

4- aggression

انحرافی را در افراد پدید می‌آورد. بسیاری از جامعه‌شناسان این نظریه معتقدند که گروه‌های اجتماعی قانون را به وجود می‌آورند و مشخص می‌کنند چه رفتاری و تحت چه شرایطی صورت پذیرد (ستوده، 1379: 132). در واقع، وقتی قانون وضع شد، فردی که آن را زیر پا گذارد و نتواند خود را با قوانین گروه سازگار کند، بیگانه یا اجنبی خوانده می‌شود. بکر¹ (2003) معتقد است بر اساس این فرضیه که قوانین را اجتماع می‌سازند و نقش‌ها به‌طور یکسان توسط افراد رعایت نمی‌شوند، نظریه برچسب به‌وجود می‌آید؛ ممکن است کجروی‌ها در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون به‌طور مختلفی تعریف شوند و حتی ممکن است دسته‌ای از مردم قوانین را زیر پا بگذارند، اما کجرو خوانده نشوند (آزادارمکی، 1376: 316). بر این اساس، نظریه برچسب زنی می‌گوید: رفتار انحرافی به میزان احترام مردم به آن قانون بستگی دارد. این نظریه افراد را در برابر قانون به چهار گروه تقسیم می‌کند:

- 1- هم‌نویان؛ مردمی هستند که از قوانین گروه سرپیچی نمی‌کنند و مطابق با نقش‌ها رفتار می‌کنند.
- 2- کجروان واقعی؛ مردمی هستند که قوانین را زیر پا می‌گذارند و به خاطر آن تنبیه و جریمه می‌شوند.
- 3- کجروان پنهانی؛ اشخاصی که در خفا قانون‌شکنی می‌کنند و مجازات نمی‌گردند؛ مثل کسانی که پنهانی الکل یا موادمخدر مصرف می‌کنند.
- 4- متهمان بیگانه؛ کسانی که قانون‌شکنی نمی‌کنند، ولی طوری رفتار می‌کنند که انگار چنین کاری کرده‌اند (ستوده، 1379). از بین این چهار دسته، دست چهارم هستند که توسط دیگران برچسب می‌خورند که برای مثال، می‌توان از سیاه‌پوستان جامعه آمریکا یاد کرد.

مسئله اساسی‌ای که این نظریه در پی بیان آن می‌باشد، رابطه بین انحراف (به بیان دیگر، مشکل اجتماعی) و نظم اجتماعی است؛ به عبارت دیگر، در این نظریه تلاش در بیان چگونگی تحقق انحراف اجتماعی (در سطح خرد و کلان) و نحوه اثرگذاری آن بر ساختار اجتماعی است. شناسایی انواع انحرافات، عوامل مؤثر در تحقق انحرافات، کنترل

1- Howard Becker



مشکلات ناشی شده از انحرافات، تصحیح نهادها و سازمان‌های مؤثر در انحراف اجتماعی مسائل عمده در این نظریه است (ستوده، 1379: 136).

نظریه تضاد و ستیز: واژه Conflict از ریشه Configure به معنای برخورد کردن و مبارزه کردن گرفته شده است. هر گاه دو یا چند نفر یا گروه به جهت تخالف در اندیشه و منافع، در حل تعارض آشکار و عدم توافق آمیخته با خشونت قرار گیرند، تضاد نامیده می‌شود. برای این اصطلاح، معادل‌هایی چون نزاع، تقابل، کشمکش، انحراف، دوگانگی و دشمنی در نظر گرفته شده و به‌طور متواتر در جامعه‌شناسی مارکسیستی¹ به کار می‌رود و از مکاتب عمده در جامعه‌شناسی می‌باشد. مکتب تضاد در جامعه‌شناسی که بر اساس دیالکتیک² پایه نهاده شده است، یکی از مکاتبی است که بحث‌های عمده‌ای را در جامعه‌شناسی به خود اختصاص داده است. اساس شکل‌گیری این مکتب در دوران معاصر در تقابل و نقد بر مکتب فونکسیونالیسم³ یا کارکردگرایی شکل گرفته است. اصحاب این مکتب که محوری‌ترین آنان کارل مارکس⁴ می‌باشد، وارثان فکری فیلسوفان یونان باستان و هگل⁵ هستند (شیخوندی، 1384).

این جامعه‌شناسان گستره جامعه را میدان تضادها و مبارزات طبقاتی می‌پندارند و از مفاهیمی چون تحلیل تاریخی پدیده‌ها، بی‌عدالتی در توزیع امکانات و ایجاد تغییرات اساسی هم‌چون انقلاب سخن می‌رانند. این جامعه‌شناسان نظام جامعه و ارزش‌های حاکم بر آن را نه ارزش‌هایی عادلانه، بلکه ارزش‌های طبقه حاکم برای دستیابی به اهداف خود می‌دانند و تعارضات و تضادهای جامعه را در اصل آشتی‌ناپذیر و آنتاگونیستی⁶ معرفی می‌کرده و تنها راه‌حل تضادها را تغییرات بنیادی و رادیکال می‌دانند. بر اساس این نظریه، جامعه مجموعه‌ای از اجزای متکثر و ترکیبی از گروه‌های متعدد، مستقل و رقیب و برخوردار از دیدگاه‌ها، علایق و منافع متفاوت و متضاد است که عنصر قدرت، آن‌ها را در نظمی خاص، در کنار هم قرار می‌دهد و بدین وسیله، ثبات اجتماعی تأمین می‌شود. بر اساس این دیدگاه نظام‌های اجتماعی، گرایش به تغییر

1- Marxist
2- dialectic
3- Fundamentalism
4- Karl Marx
5- Hegel
6- Antagonistic

دارند، یکپارچه نیستند و دست‌خوش تعارضات آشتی‌ناپذیرند. به دلیل اختلاف منافع ریشه‌ای و عمیقی که بین گروه‌ها وجود دارد، اجماع یک حالت موقتی است و ستیز در جامعه شایع‌تر است. تحول انقلابی بیانگر تلاش به‌سوی ایجاد یک جامعه نوینی است که در آن بی‌عدالتی‌ها و نابرابری‌های نظام کهن از میان می‌رود. در اندیشه نظریه‌پردازان مکاتب تضاد و انتقادی، به‌جای مفهوم نظم اجتماعی، بر تغییر اجتماعی تأکید می‌شود و به نقد اندیشه‌های کارکردگرایانه درباره نظم اجتماعی پرداخته‌اند (مخبر، 1383: 106).

نظریه مکتب ساختی - کارکردی: این مکتب عمدتاً مبتنی بر تلاش‌های فکری جامعه‌شناسانی چون هربرت اسپنسر¹، دورکیم²، پارسونز³ و مرتون⁴ می‌باشد. بر اساس این دیدگاه، جامعه نظامی متشکل از اجزاء به هم پیوسته است که با همدیگر در تلاش و فعالیت‌اند تا وضعیت تعادل و توازن در کل جامعه حفظ شود و نتایج و آثار هر یک از آن اجزاء ضرورتاً موجبات چگونگی دوام و بقای جامعه را فراهم می‌آورد. این مکتب بر به هم پیوستگی درونی جامعه تأکید می‌کند از این طریق که چگونه هر بخش از بخش‌های دیگر تأثیر می‌پذیرد و یا بر بخش‌های دیگر تأثیر می‌گذارد. از اصطلاحات «کارکرد⁵» و «دژکارکرد» برای توصیف اثرات و نتایج پدیده‌های اجتماعی استفاده می‌کند. این پدیده‌ها چنانچه به حفظ و پایداری جامعه کمک کنند، کارکردی‌اند و اگر پایداری و نظم جامعه را برهم بزنند دژکارکرد به حساب می‌آیند و بعضی از آنها ممکن است دارای هر دو وضعیت فوق باشند. مثلاً نزاع، چون که با خشونت فیزیکی در ارتباط است، پس دژکارکرد به حساب می‌آیند، در صورتی که از نظر دورکیم و سایر کارکردگراها، نزاع باعث آگاهی افراد جامعه از مرزهای اخلاقی مشترک و همبستگی اجتماعی بیشتری می‌شود، پس دارای کارکرد می‌باشد. مکتب ساختی- کارکردی دارای دو نظریه فرعی در مورد مسائل اجتماعی است که عبارت‌اند از: نظریه آسیب‌شناسی اجتماعی و بی‌سازمانی اجتماعی (فزل سفلو، 1388).

آسیب‌شناسی اجتماعی: این نظریه بر اساس پارادایم⁶ تکامل اجتماعی برای مسائل

1- Herbert Spencer
2- Durkheim
3- Parsons
4- Robert K. Merton
5- Function
6- Paradigm



اجتماعی مطرح شد و مسائل اجتماعی را حاصل بعضی بیماری‌های موجود در جامعه می‌داند؛ همان‌طور که بدن انسان بیمار می‌شود و ارگان‌ها و سلول‌های بدن به روال طبیعی کار نمی‌کنند، جامعه هم زمانی که اجزاء و عناصر ساختی و فرهنگی مدتی وظایف خود را به‌طور صحیح انجام ندهند، بیمار می‌شود؛ یعنی در واقع، مسائلی همچون نزاع، جرم، خشونت و بزهکاری به ضعف عملکرد نهادهای مختلف جامعه نسبت داده می‌شود (حیدری، 1390).

نظریه بی‌سازمانی اجتماعی: بی‌سازمانی اجتماعی به شکست یا نارسایی در یک نظام اجتماعی با پایگاه‌ها و نقش‌های مرتبط به هم اشاره دارد که اهداف جمعی و فردی اعضایش کم‌تر تحقق می‌یابد تا آن‌هایی که در یک نظام کارآمد دیگر برآورده می‌شوند. بر اساس این نظریه تغییرات سریع اجتماعی باعث گسیختگی هنجارها در یک جامعه می‌شود. زمانی که هنجارها ضعیف می‌شوند یا با دیگر هنجارها در تضاد قرار می‌گیرند، جامعه در وضعیت آنومی (بی‌هنجاری) قرار می‌گیرد و بر شرایطی که موجب از هم گسیختگی و شکسته شدن ارزش‌ها و نظام هنجاری می‌شود، تأکید دارند. این رویکرد حل مسائل اجتماعی را منوط به کند کردن تغییرات اجتماعی و تقویت هنجارهای اجتماعی می‌داند (ارمکی، 1377: 37).

فرضیه‌های پژوهش

- 1) بین میزان تعامل با خانواده با گرایش به نزاع و خشونت بین‌فردی جوانان رابطه وجود دارد.
- 2) بین میزان تعامل با دوستان با گرایش به نزاع و خشونت بین‌فردی جوانان رابطه وجود دارد.
- 3) بین میزان تعهد به هدف‌های قراردادی و مرسوم جامعه با گرایش به نزاع و خشونت بین‌فردی جوانان رابطه وجود دارد.
- 4) بین میزان مشارکت و درگیر بودن در فعالیت‌های روزمره با گرایش به نزاع و خشونت بین‌فردی جوانان رابطه وجود دارد.
- 5) بین میزان تعهد به ارزش‌های اجتماعی با گرایش به نزاع و خشونت بین‌فردی جوانان رابطه وجود دارد.

6) عوامل اجتماعی توانایی پیش‌بینی میزان نزاع و خشونت بین فردی جوانان 18-30 ساله شهر همدان را دارند.

مدل مفهومی پژوهش



نمودار ۱: ارتباط عوامل اجتماعی با میزان نزاع بین فردی جوانان

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی از نوع پیمایشی و همبستگی می‌باشد که برای تدوین مبانی و الگوی نظری پژوهش از مطالعات کتابخانه‌ای استفاده شد و برای شناسایی عوامل موردنظر در گام اول، از روش پیمایشی و در جهت آزمون فرضیه‌ها از روش همبستگی استفاده شد. جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل کلیه جوانان پسر 18-30 سال شهر همدان می‌باشد که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای از میان نواحی دوگانه شهر همدان (شمال و جنوب شهر)، چهار منطقه مختلف (شمال، جنوب، شرق و غرب) و سپس، از بین هر یک از مناطق نامبرده چندین محله به صورت تصادفی در نظر گرفته و پرسشنامه بین جوانان مورد مطالعه توزیع و گردآوری شد که بر اساس فرمول کوکران تعداد نمونه‌های انتخابی 382 نفر محاسبه شد و در ادامه، جهت گردآوری داده‌های موردنیاز در این پژوهش، از پرسشنامه 69 سؤالی و دو قسمتی استفاده شد. برای بررسی متغیرهای مستقل پژوهش، از پرسشنامه محقق‌ساخته و برای بررسی متغیر وابسته پژوهش (خشونت و پرخاشگری) از پرسشنامه استاندارد پرخاشگری باس و پری استفاده شد. قسمت اول پرسشنامه شامل



پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، سال سیزدهم، شماره سوم (پیاپی پنجاه و یکم)، پاییز 1399

پرسش‌هایی در مورد متغیرهای دموگرافیک (سن، میزان تحصیلات، شغل و تاهل) نمونه مورد بررسی بود. قسمت دوم، شامل پرسش‌های تخصصی در مورد عوامل اجتماعی گرایش جوانان پسر به نزاع و خشونت بین‌فردی در 6 حیطه میزان تعامل با خانواده و خویشاوندان (8 پرسش)، میزان تعامل با دوستان (8 پرسش)، میزان تعهد به هدف‌های قراردادی و مرسوم جامعه (8 پرسش)، میزان مشارکت و درگیر بودن در فعالیت‌های روزمره (8 پرسش)، میزان تعهد به ارزش‌های اجتماعی (8 پرسش) و بررسی میزان پرخاشگری (29 پرسش) بود. پاسخ پرسش‌ها با مقیاس 5 گزینه‌ای طیف لیکرت به صورت خیلی زیاد (5)، زیاد (4)، تا حدودی (3)، کم (2) و خیلی کم (1) در نظر گرفته شد؛ به جزء سؤالات 4 و 7 در قسمت تعامل با خانواده و خویشاوندان که به صورت معکوس نمره‌گذاری شدند. پرسشنامه پرخاشگری ب‌اس و پری (1992) نیز شامل 29 سؤال است که بر اساس مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت از نمره 1 تا 5 درجه‌بندی شده است. هر سؤال دارای پنج گزینه است که حداقل امتیاز، یک (برای پاسخ به گزینه کاملاً خلاف خصوصیات من است) و حداکثر پنج (برای پاسخ به گزینه کاملاً گویای خصوصیات من است) در نظر گرفته شده است؛ به جزء سؤالات 24 و 29 که به صورت عکس نمره‌گذاری می‌شوند. این پرسشنامه چهار جنبه پرخاشگری شامل پرخاشگری فیزیکی، پرخاشگری کلامی، خشم و خصومت را می‌سنجد و همچنین میزان پرخاشگری کلی را اندازه‌گیری می‌کند. حداقل نمره به دست آمده، 29 و حداکثر نمره، 145 می‌باشد که برای به دست آوردن روایی ابزار مورد نظر از روایی محتوایی و در جهت محاسبه ضریب پایایی پرسشنامه نیز به روش آلفای کرونباخ 0/91 به دست آمد. لذا در ادامه، داده‌های حاصل از پژوهش با استفاده از نرم‌افزار Sps25 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت؛ بدین ترتیب که در بخش توصیفی از فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار و در بخش آمار استنباطی از آزمون‌های کالموگروف - اسمیرونوف، آزمون پیرسون، رگرسیون و تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

در این بخش با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی مناسب، داده‌های جمع‌آوری شده مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. لذا ابتدا با توجه به نتایج آزمون

کالموگروف - اسمیرونوف می‌توان اظهار کرد متغیرهای اصلی پژوهش، یعنی عوامل اجتماعی و نزاع بین فردی جوانان نرمال می‌باشند؛ زیرا سطح معناداری مقادیر Z در هریک از متغیرها بزرگتر از 0/05 است ($p > 0/05$).

جدول 1: شاخص‌های توصیفی نمرات آزمودنی‌ها در متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف استاندارد
تعامل با خانواده	382	6	30	14/87	4/92
تعامل با دوستان	382	8	40	20/77	6/88
تعهد به هدف‌های قراردادی و مرسوم جامعه	382	8	40	24/35	7/08
مشارکت و درگیر بودن در فعالیت‌های روزمره	382	8	39	24/09	6/77
تعهد به ارزش‌های اجتماعی	382	8	36	21/56	6/43

با توجه به داده‌های جدول شماره (1)، میانگین متغیر تعامل با خانواده و خویشاوندان 14/87 و انحراف استاندارد 4/92؛ میانگین متغیر تعامل با دوستان 20/77 و انحراف استاندارد 6/88؛ میانگین متغیر تعهد به هدف‌های قراردادی و مرسوم جامعه 24/35 و انحراف استاندارد 7/08، میانگین متغیر مشارکت و درگیر بودن در فعالیت‌های روزمره 21/09 و انحراف استاندارد 6/77 و میانگین متغیر تعهد به ارزش‌های اجتماعی 21/56 و انحراف استاندارد آن 6/43 می‌باشد.

جدول 2: رابطه عوامل اجتماعی با میزان نزاع‌های بین فردی جوانان با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون

رابطه متغیرها	تعداد	ضریب همبستگی	سطح معناداری
عوامل اجتماعی	382	-0/479	**0/0001
تعامل با خانواده	382	-0/285	**0/0001
تعامل با دوستان	382	-0/431	**0/0001
تعهد به هدف‌های قراردادی و مرسوم جامعه	382	-0/650	**0/0001
مشارکت و درگیر بودن در فعالیت‌های روزمره	382	-0/580	**0/0001
تعهد به ارزش‌های اجتماعی	382	-0/449	**0/0001

نتایج آزمون همبستگی پیرسون در جدول شماره (2) نشان داد که بین عوامل اجتماعی و میزان نزاع و خشونت بین فردی جوانان ($r = -0/479$ و $p = 0/0001$) رابطه منفی و معناداری در سطح 0/01 وجود دارد؛ به عبارتی، با 99 درصد اطمینان می‌توان



گفت که با افزایش مؤلفه‌های عوامل اجتماعی مذکور در بین گروه سنی 18 تا 30 ساله، میزان نزاع و خشونت بین فردی جوانان کاهش می‌یابد و بالعکس. همچنین، بین هر یک از متغیرهای مدنظر، یعنی میزان تعامل با خانواده ($r = -0/285$ و $p = 0/0001$)، میزان تعامل با دوستان ($r = -0/431$ و $p = 0/0001$)، میزان تعهد به هدف‌های قراردادی و مرسوم جامعه ($r = -0/650$ و $p = 0/0001$)، میزان مشارکت و درگیر بودن در فعالیت‌های روزمره ($r = -0/580$ و $p = 0/001$) و میزان تعهد به ارزش‌های اجتماعی ($r = -0/449$ و $p = 0/001$) با میزان نزاع بین فردی جوانان رابطه منفی و معناداری در سطح 0/01 وجود دارد که با افزایش مؤلفه‌های نامبرده چنین آسیب اجتماعی کاهش می‌یابد و بالعکس.

جدول 3: مدل رگرسیون عوامل اجتماعی بر میزان گرایش به نزاع و خشونت بین فردی

مدل	مقدار R	مقدار R2	AR2	خطای استاندارد (SE)
1	0/59	0/42	0/28	12/52

با توجه به نتایج جدول شماره (3)، نتایج مجذور تعدیل شده ضریب همبستگی پیرسون چندگانه را نشان می‌دهد که عوامل اجتماعی (تعامل با خانواده، تعامل با دوستان، تعهد به هدف‌های قراردادی و مرسوم جامعه، تعهد به مشارکت و درگیر بودن در فعالیت‌های روزمره و تعهد به ارزش‌های اجتماعی) $0/42$ ، یعنی 42 درصد از واریانس گرایش به نزاع و خشونت بین فردی را تبیین می‌کند.

جدول 4: تحلیل واریانس برای آزمون معناداری مدل رگرسیون متغیرهای پیش‌بین و ملاک

مدل	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معناداری
1	رگرسیون	7954/741	883/860	5/634	0/0001
	باقی مانده	15059/118	156/866		
	کل	23013/585			

نتایج آزمون تحلیل رگرسیون در جدول شماره (4) نشان می‌دهد که عوامل اجتماعی فوق‌الذکر ($F = 5/634$ و $P < 0/05$) به‌طور معناداری توانایی پیش‌بینی گرایش به نزاع و خشونت بین فردی را دارند.

جدول 5: ضرایب رگرسیون پیش‌بینی عوامل اجتماعی بر میزان گرایش به نزاع و خشونت بین فردی

ضریب	B	خطای استاندارد (SE)	بتا	T	سطح معناداری
ثابت	-8/990	8/887		-0/012	0/0001
تعامل با خانواده	-1/115	0/703	-0/066	-1/585	0/0001
تعامل با دوستان	-0/241	0/613	-0/083	-0/392	0/0001
تعهد به هدف‌های قراردادی و مرسوم جامعه	-1/014	0/637	-0/421	-1/593	0/0001
تعهد به مشارکت و درگیر بودن در فعالیت‌های روزمره	-0/049	0/536	-0/166	-0/092	0/0001
تعهد به ارزش‌های اجتماعی	-2/200	0/560	-0/141	-3/932	0/0001

با توجه به نتایج جدول شماره (5) می‌توان گفت، در میان شاخص‌های گنجانده شده در مدل، بیشترین توانایی مستقیم در پیش‌بینی نزاع و خشونت بین فردی از طریق میزان تعهد به هدف‌های قراردادی و مرسوم جامعه صورت گرفته است. وزن بتا برای این متغیر در مرحله ورود مستقیم (Beta = -0/421) بوده است که بیشترین اثر مستقیم را بر روی متغیر وابسته داشته است. دومین متغیر، تعهد به مشارکت و درگیر بودن در فعالیت‌های روزمره است که توانسته است تأثیر معکوسی بر گرایش به نزاع و خشونت بین فردی بگذارد، چنانچه ضریب بتا برای این متغیر برابر (Beta = -0/166) بوده است. سومین متغیر که به‌طور مستقیم بر متغیر وابسته اثر گذاشته، تعهد به ارزش‌های اجتماعی است. ضریب بتا برای این متغیر (Beta = -0/141) می‌باشد. چهارمین متغیر که به‌طور مستقیم بر متغیر وابسته اثر گذاشته، تعامل با دوستان است. ضریب بتا برای این متغیر (Beta = -0/083) می‌باشد. آخرین متغیری که به صورت مستقیم بر متغیر وابسته اثر گذاشته است تعامل با خانواده و خویشاوندان می‌باشد که ضریب بتا برای این متغیر (Beta = -0/066) می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل اجتماعی مؤثر بر نزاع و خشونت بین فردی جوانان با تأکید بر امنیت اجتماعی در بین گروه سنی 18-30 ساله شهر همدان انجام پذیرفت، چراکه درباره چنین موضوعی هیچ پژوهش خاصی در استان انجام نشده است و این در صورتی است که در سایر استان‌ها پژوهش‌های متعددی به انجام رسیده، لیکن



اغلب این پژوهش‌ها با تمرکز بر نزاع انجام شده‌اند و از بررسی متمرکزتری غافل شده‌اند. لذا نوآوری پژوهش حاضر باتوجه به همین نکته و تمرکز بر نزاع و خشونت به صورت همزمان انجام گرفته است و از آنجا که هدف پژوهش حاضر تبیین چنین موضوعی بود، در بخش نظری با تکیه بر آراء صاحب‌نظران حوزه امنیت و آسیب‌شناسی اجتماعی این چرای استفاده از این نظریه‌ها مورد تأکید قرار گرفت و با عنایت بر این چارچوب نظری و آزمون آماری، نتایج تحلیلی پژوهش نیز بر این مهم صحت گذاشته و فرضیه‌های پژوهش را مورد تأیید قرار دادند که یافته‌های مربوط به فرضیه اول نشان داد هرچه میزان تعامل با خانواده و خویشاوندان بیشتر باشد، میزان گرایش به نزاع و خشونت بین‌فردی کمتر می‌شود که این یافته با نتایج پژوهش‌های جوانمرد، عشایری و هاشمی (1398)، افشانی و کریمی منجرمویی (1397) و حیدرنژاد و اسدپور (1396) همسو می‌باشد که در تبیین چنین نتیجه‌ای می‌توان گفت کسانی که به اعضای خانواده و خویشاوندان خود علاقه و وابستگی دارند، رفاه و احساسات آنان را در نظر می‌گیرند و مایل هستند با مسئولیت عمل کنند. بر عکس، کسانی که چنین علاقه و وابستگی را ندارند، نگران این نیستند که روابط اجتماعی خود را به خطر اندازند؛ بنابراین بیشتر احتمال دارد که در جامعه مرتکب نزاع و خشم شوند. فرضیه دوم نیز نشان داد که هرچه میزان تعامل با دوستان بیشتر باشد، میزان گرایش به نزاع و خشونت بین‌فردی کمتر می‌شود که در تبیین این نتایج می‌توان گفت بر اساس نظریه کارکردی، افرادی که روابط نزدیک با دوستان خود دارند، خودانگاره مثبتی را در خود شکل می‌دهند که قادرند در برابر وسوسه‌های رفتارهای انحرافی مقاومت کنند. بر همین اساس، هیرشی (1969) دل‌بستگی نوجوانان و جوانان به گروه‌های دوستان و همسالان را عامل بسیار مهم در تعیین و پیش‌بینی رفتار انحرافی و پرخاشگرانه آنان می‌داند که این نتایج با پژوهش‌های افشانی و همکاران (1394) و ساید (2017) همسو می‌باشد. در ادامه، یافته‌های به‌دست آمده از تحلیل فرضیه سوم نیز نشان داد هرچه میزان تعهد به هدف‌های قراردادی و مرسوم جامعه بیشتر باشد، میزان گرایش به نزاع و خشونت بین‌فردی نیز کاهش پیدا می‌کند که یافته‌های به‌دست آمده با پژوهش لهسائی‌زاده و مرادی (1395) در داخل ایران و با پژوهش ساید (2017) در خارج ایران همخوانی دارد. همچنین، یافته‌های مربوط به متغیرهای میزان تعهد به مشارکت و درگیر بودن در

فعالیت‌های روزمره و تعهد به ارزش‌های اجتماعی نیز نشان داد بین متغیرهای مذکور با میزان گرایش به نزاع و خشونت بین‌فردی نیز رابطه معنادار معکوسی وجود دارد؛ یعنی هرچه میزان تعهد به هدف‌های قراردادی و ارزش‌های اجتماعی بیشتر باشد، میزان گرایش به نزاع و خشونت بین‌فردی نیز در بین جوانان کمتر می‌شود که این نتایج با پژوهش‌های علمی، تیغ‌زن و باقری (1396)، بخارایی، بیات و پرکیانی (1395)، رایس (2009) و هاین، سیلور و تسدال (2006) همسو می‌باشد که در تبیین این نتایج می‌توان گفت تعهد، جزء اصول عقلانی در رعایت هنجارها می‌باشد. به‌طور کلی، مفهوم آن، ترس از رفتار قانون‌شکنانه است. وقتی که فرد به فکر انجام رفتار منحرفانه یا مجرمانه می‌افتد، باید خطرات از دست دادن سرمایه‌گذاری قبلی خود در زمینه رفتار متعارف را در نظر بگیرد یا اینکه به‌عبارت بهتر، دخالت در فعالیت‌های متعارف بیانگر ویژگی درگیر بودن است که وقتی فرد درگیر فعالیت‌های متعارف باشد، وقتش به قدری گرفته می‌شود که نمی‌تواند به رفتار انحراف‌آمیز کشیده شود. لذا چنین کفایت اجتماعی با بالا بردن توانایی آینده‌نگری در جوانان می‌تواند میزان نزاع و خشونت را کاهش دهد. در واقع، فرد دارای کفایت اجتماعی، توانایی برنامه‌ریزی برای تمام ساعات خود را دارد و تا جایی که امکان دارد در تمام ابعاد زندگی خود جانب اعتدال را نگه می‌دارد و از افراط و تفریط خودداری می‌کند؛ بنابراین بر اساس نتایج به‌دست آمده پیشنهاد می‌شود:

1) نظارت والدین بر فرزندان بیشتر شده و تا حد ممکن بر رفتارهای فرزندان خود احاطه کامل داشته باشند. ایجاد روابط عاطفی بیشتر بین والدین و فرزندان در این زمینه بسیار حائز اهمیت خواهد بود.

2) با توجه به وجود رابطه معنادار بین میزان مشارکت و درگیر بودن در فعالیت‌های روزمره با گرایش به نزاع و خشونت بین‌فردی توسعه نهادهای فرهنگی در سطح استان، به‌ویژه سینما، پارک‌های علمی-تفریحی، کتابخانه، فرهنگ سرا و افزایش علاقمندی جوانان به شرکت در فعالیت‌های هنری، ورزشی و... جهت سوق پتانسیل آن‌ها به سوی فعالیت‌های مفید علمی، فرهنگی، هنری، ورزشی و... ضروری می‌نماید، مدد رساند.



- 3) نهادینه کردن ارزش‌های اخلاقی در فرزندان (از طریق ارائه آموزش همگانی در مدارس و مساجد توسط نهادهای آموزشی، دینی و مسئولان مربوطه) یک عامل بازدارنده مهم در ارتکاب خشونت می‌باشد.
- 4) با توجه به نقش کنترل اجتماعی (بیرونی) در جهت کاهش نزاع و خشونت، تقویت حضور پلیس در نقاط نزاع‌خیز به صورت مقطعی (افزایش گشت‌زنی در محلات و منالاطق نزاع‌گر) و دائمی (دایر کردن ایستگاه‌های انتظامی سیار و کانکس‌های پلیس در محلات و چهارراه‌ها پیشنهاد می‌شود).
- 5) با توجه به اینکه بیشتر مناقشات بین اقشار جوان رخ می‌دهد، پیشنهاد می‌شود در زمینه تقویت تعامل خانواده و خویشاوندان و همچنین دوستان از طریق برگزاری کارگاه‌های آموزشی توسط نهادهای مربوطه شامل مدارس، دانشگاه‌ها، مساجد و ... در جهت افزایش احساس وابستگی هرچه بیشتر افراد خانواده و گروه‌های دوستان به یکدیگر اقدام شود.

منابع

- ابراهیمی، نبی‌اله (1386). «تأملی بر مبانی و فرهنگ مکتب کپنهاگ». فصلنامه سیاست خارجی، 21 (2)، صص 439-458.
- اسدپور، رسول؛ درستی، مجید (1391). «بررسی عوامل جرم‌شناسی نزاع دسته‌جمعی». فصلنامه دانش انتظامی استان کهگیلویه و بویراحمد، 5 (9)، صص 52-63.
- افشانی، سیدعلیرضا؛ کریمی منجرمویی، یزدان (1396). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به نزاع دسته‌جمعی در شهر لردگان». فصلنامه انتظام اجتماعی، 10 (1)، صص 49-69.
- امیرپور، مهناز؛ مکرمی، علیرضا (1396). «بررسی میزان گرایش به خشونت و پرخاشگری در مردان شهرستان شیروان و عوامل مؤثر بر آن». فصلنامه دانش انتظامی خراسان شمالی، 4 (15)، صص 103-128.
- آزادارمکی، محمد تقی (1383). «نظریه‌های جامعه‌شناسی». تهران: انتشارات سروش.
- بخارایی، احمد؛ بهرامی، بیات؛ پرکیانی، طاهره (1395). «مطالعه عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به نزاع‌های خیابانی در بندرعباس». پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، 9 (2)، صص 97-118.
- پورافکاری، نصراله (1383). «نزاع‌های جمعی محلی». مجموعه مقاله‌های اولین همایش ملی طرح مسائل جامعه‌شناسی ایران. دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- ترابی، یوسف؛ گودرزی، آیت (1383). «ارزش‌ها و امنیت اجتماعی». فصلنامه دانش اجتماعی، 6 (2)، صص 31-46.
- جوانمرد، محمد؛ عشایری، طاها؛ هاشمی، حمید (1398). «تبیین شکل‌گیری نزاع و درگیری دسته‌جمعی در استان اردبیل». فصلنامه انتظام اجتماعی، 11 (4)، صص 47-68.
- حسینی، سیدمهدی (1390). «اثربخشی آموزش گروهی هوش هیجانی (حل مسأله و کنترل خشم) بر سلامت روان جوانان مجرم زندان عادل‌آباد شیراز». (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
- حسینی، نثار (1383). «بررسی عوامل مؤثر بر بزهکاری نوجوانان در رشت». (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- حیدرنژاد، علیرضا؛ اسدپور، عبدالله (1396). «شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر نزاع دسته‌جمعی در بین مرزنشینان استان اردبیل و اثر آن بر نظم و امنیت». فصلنامه علوم و فنون مرزی، 8 (4)، صص 117-148.



- حیدری، صدراله (1390). «اثربخشی آموزش مهارت‌های مدیریت خشم و کاهش پرخاشگری زندانیان مرد زندان کازرون». (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
- رحمانی، بیژن؛ سعیدی، عباس؛ کارگر، بهمن؛ اصلو، علی (1395). «تحلیل عوامل مؤثر بر نزاع در نواحی روستایی». پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، 9(3)، صص 127-152.
- ستوده، هدایت‌الله (1379). «آسیب‌شناسی اجتماعی». تهران: انتشارات آوای نور.
- سلیمی، علی؛ داوری، محمد (1380). «جامعه‌شناسی کجروی». پژوهشکده حوزه و دانشگاه قم.
- شاطریان، محسن؛ نیازی، محسن؛ عشایری، طاهّا (1394). «عوامل اجتماعی فرهنگی مؤثر بر گرایش به نزاع طایفه‌ای (مورد مطالعه: عشایر ایل پیچیک، شهرستان اهر)». فصلنامه توسعه اجتماعی، 9(4)، صص 67-86.
- شیخاوندی، داور (1384). «جامعه‌شناسی انحرافات و مسائل جمعیتی ایران». تهران: نشر قطره.
- صادقیان، سید جلال (1389). «بررسی نقش کارکردی رسانه‌ها در امنیت ملی و عمومی». فصلنامه دانش انتظامی، 12(1)، صص 165-190.
- صدیق سروسستانی، رحمت‌الله (1388). «آسیب‌شناسی اجتماعی جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی». تهران: انتشارات آن.
- عبداللهی، محمد؛ چلبی، مسعود (1381). «طرح توصیف و تبیین جامعه‌شناختی نزاع‌های دسته‌جمعی در استان لرستان». وزارت کشور: استانداری استان لرستان.
- علمی، محمود؛ تیغ‌زن، خدیجه؛ باقری، ربابه (1396). «تعیین میزان شیوع خشونت و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن». فصلنامه علوم اجتماعی علامه طباطبایی، 21(8)، صص 163-174.
- قزل‌سفلو، کبری (1388). «تأثیر آموزش مهارت‌های کنترل خشم با استفاده از داستان در کاهش پرخاشگری پسران عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر 10 تا 19 ساله شهر تهران». (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران.
- کریمی، یوسف (1380). «روانشناسی شخصیت». تهران: نشر البرز.
- لهستانی‌زاده، عبدالعلی؛ مرادی، گل‌مراد (1395). «بررسی رابطه بین راهبردهای مقابله و رفتار پرخاشگرانه جوانان (مورد مطالعه: شهر اسلام آباد غرب)». جامعه‌شناسی کاربردی، 21(2)، صص 1-18.
- مخبر، عباس (1383). «نظریه اجتماعی مدرن از پارسنز تا هابرماس». تهران: انتشارات آگاه.

- واحدی، ناصر؛ بهستانی، رضا؛ حسن‌زاده، مرتضی (1392). «بررسی عوامل مؤثر بر نزاع و درگیری فردی از دیدگاه شهروندان در سال 1392 (مورد مطالعه: شهر خوی)». فصلنامه دانش انتظامی آذربایجان غربی، 6(21)، صص 47-74.
- Boraven, R (2013). *Criminology, U.S.A*; Ms Graw-Hill University Press. New York, *World Applied Sciences Journal*, 31(6):1160-1167.
- Brown, C (2011). Factors affecting social acceptance of High school students. *school review*, 62(3):151-155.
- Buzan, Barry; Weaver, Ole (1998). 'Liberalism and security: the contradictions of the liberal leviathan', Copenhagen peace research institute (COPRI) Working papers.
- Curtis A (2015). *Illustrated edition: Health psychology*. London, New York: Routledge.
- De Coster, T., Heimer, M., Karen, F., & Wittrock, S.M. (2006). Neighborhood disadvantage, social capital, stress context, and youth violence. *The Sociological Quarterly*, 47(8): 723-753.
- Haynie, D.L., Silver, E., Teasdale, B. (2006). "Neighborhood Characteristics, Peer Networks and Adolescent Violence". *Journal of Quantitative Criminology*, 22(2): 147- 169.
- Rice, Xan. (2009). "Women and children targeted in Sudan clash leaving 185 people dead", *The Guardian* (London), Retrieved 5 August.
- Side, K. (2017). "Canada, Re-assessing rural conflict: Rituals, symbols and Commemorations in the Moyle District, Northern Ireland", *Journal of Rural and community development*, Memorial University, 9(4): 102-127.
- Wollman RN. (2018). *Thinking with your soul: Spiritual intelligence and why it matters*. New York. Harmony Books: p.123-125.

Archive of SID